

بررسی ابعاد زجر و آزار به عنوان یک جنایت بین‌المللی



محسن قدیر^۱، علی محمد اختیاری^۲



چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و تبیین ابعاد مختلف «زجر و آزار» به عنوان یک جنایت بین‌المللی انجام شده و در پی پاسخ به این پرسش بوده است که: براساس قواعد حقوق بین‌الملل کیفری، چه معیارهایی برای شناسایی و تحقق زجر و آزار به عنوان یک جنایت بین‌المللی وجود دارد؟ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و بررسی اسناد حقوقی، از جمله اساس‌نامه دادگاه‌های بین‌المللی، کنوانسیون منع شکنجه و آرای قضایی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که زجر و آزار به عنوان مصداق جنایت علیه بشریت در اسناد و آرای بین‌المللی شناسایی شده است و ارتکاب آن، نقض فاحش حقوق بشر و بی‌اعتنایی به کرامت انسانی را نشان می‌دهد. اثبات این جنایت مستلزم تحقق تمامی عناصر تشکیل‌دهنده جنایت علیه بشریت است. در نهایت، مقابله مؤثر با زجر و آزار نیازمند همکاری جهانی و اتخاذ رویکرد جامع از سوی جامعه بین‌المللی است، که شامل تصویب کنوانسیون‌ها و معاهدات مکمل و تقویت سازوکارهای ملی و بین‌المللی حمایت از حقوق بشر می‌شود.

واژه‌گان کلیدی: اساس‌نامه رُم، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، جنایت علیه بشریت، جنایت بین‌المللی، زجر و آزار، نقض حقوق بشر.

^۱ استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانش‌کده/پوهنزی حقوق، دانش‌گاه/پوهنتون قم، قم، ایران (Mnghadir@gmail.com).

^۲ دانش‌جوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل، دانش‌کده/پوهنزی حقوق، دانش‌گاه/پوهنتون قم، قم، ایران (نویسنده مسؤول: Ali1993.Ekhtiyari@gmail.com).
این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License ثبت می‌باشد.





Research Article

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 06/ 08/ 2025

Accepted: 12/ 09/ 2025

Published: 23/ 09/ 2025

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.3.11>

PP: 239 - 261

The Analysis of the Dimensions of Torture and Ill-Treatment as an International Crime

Mohsen Ghadir¹, Alimohammad Ekhtiyari^{2*}

Abstract

This study aims to analyze and elucidate the various dimensions of “torture and ill-treatment” as an international crime and seeks to answer the question: according to international criminal law, what criteria exist for identifying and establishing torture and ill-treatment as an international crime? The research employs a descriptive-analytical method based on library sources and the examination of legal documents, including the statutes of international criminal tribunals, the Convention against Torture, and judicial rulings. The findings indicate that torture and ill-treatment, as a form of crimes against humanity, are recognized in international legal instruments and judicial decisions, and their commission constitutes a gross violation of human rights and a disregard for human dignity. Establishing this crime as an international offense requires the fulfillment of all constituent elements of crimes against humanity. Ultimately, effective prevention and response to torture and ill-treatment require global cooperation and a comprehensive approach by the international community, including the adoption of complementary conventions and treaties and the strengthening of national and international mechanisms for the protection of human rights

Keywords: crimes against humanity, human rights violations, international crime, international criminal tribunals, Rome Statute, torture and ill-treatment.

*¹ Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran (Mnghadir@gmail.com).

² PhD student in International Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran (Corresponding author: Ali1993.Ekhtiyari@gmail.com).



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

۱. مقدمه

جنایت «زجر و آزار»^۱ در کنار سایر مصادیق جنایت علیه بشریت،^۲ یکی از چالش‌های جدی حقوق بین‌الملل کیفری بوده و در اسناد معتبر حقوقی بین‌المللی، هم‌چون منشور نورنبرگ،^۳ منشور توکیو،^۴ اساس‌نامه دادگاه‌های یوگسلاوی سابق^۵ و رواندا^۶ و نهایتاً اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی،^۷ به رسمیت شناخته شده است. این پدیده که ریشه در تبعیض شدید و محروم‌سازی عامدانه گروه‌های انسانی از حقوق بنیادین دارد، در طول تاریخ بارها رخ داده و هم‌واره موجب نقض آشکار کرامت انسانی و بی‌اعتنایی به اصول بنیادین حقوق بشر شده است (کیتی‌شیایزری، ۱۳۹۱: ۲۱۸-۲۱۹).

اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر در این است که تبیین دقیق مفهوم زجر و آزار و تمایز آن از جرایمی چون نسل‌زدایی، برای تضمین پاسخ‌گویی کیفری مرتکبان، ایجاد رویه‌های قضایی شفاف، و جلوگیری از تکرار فجایع تاریخی ضروری است. ازمنظر حقوق بشری نیز، این موضوع نشان‌دهنده میزان تعهد جامعه جهانی به حمایت از کرامت انسانی و اصل برابری است.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پیش از جنگ جهانی دوم، مفهوم زجر و آزار به‌صورت مستقل در نظام حقوقی مطرح نبود و تنها به‌تبع سایر جرایم مورد اشاره قرار می‌گرفت (Brand, 1949: 93). با تصویب منشور نورنبرگ (۱۹۴۵) و توکیو (۱۹۴۶)، برای نخستین‌بار این جرم به‌عنوان مصادیق از جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته شد. پس از آن، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا، با ارائه آرای مهمی هم‌چون پرونده‌های «تادیچ»^۸ و «کوپرسکیچ»^۹، ابعاد حقوقی این جرم را روشن‌تر کردند. در نهایت، اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸) تعریفی جامع از این جرم ارائه داد و دامنه جهات تبعیض را به حوزه‌های سیاسی، قومی، فرهنگی و جنسیتی نیز گسترش بخشید. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های دانش‌گاهی ازجمله پایان‌نامه «تعقیب و آزار به عنوان جنایت علیه بشریت» و مقاله «جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر»، با تحلیل عناصر مادی و معنوی و مرز آن با نسل‌کشی، بر ضرورت بازتعریف معیارهای تبعیض تأکید کرده‌اند و مطالعات کاربردی تازه درباره نقض گسترده حقوق بشر در غزه نیز نشان می‌دهد که این معیارها در چالش‌های معاصر هم‌چنان موضوعیت و نیاز به واکاوی دارند؛ براین‌اساس، تحقیق حاضر می‌کوشد با

1. Persecution.

2. Crime against humanity.

3. Nuremberg Charter.

4. Tokyo Charter

5. Statute of the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia.

6. Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda.

7. Statute of the International Criminal Court.

8. Tadić.

9. Kupreškić

اتکا به این پیشینه تاریخی و یافته‌های نوین حقوقی، معیارهای شناسایی و تحقق «زجر و آزار» را به عنوان جنایتی بین‌المللی به طور نظام‌مند تبیین کند.

هدف اصلی تحقیق حاضر، تحلیل ابعاد حقوقی زجر و آزار به عنوان یک جنایت بین‌المللی و بررسی معیارهای تحقق آن در پرتو اسناد و رویه‌های بین‌المللی است. پرسش محوری این است که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل کیفری، چه معیارهایی برای شناسایی و تحقق زجر و آزار وجود دارد و این معیارها چه تفاوتی با سایر جنایات بین‌المللی دارند؟

روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. نوع پژوهش بنیادی و ابزار گردآوری اطلاعات، اسناد و متون حقوقی و آرای قضایی بین‌المللی می‌باشد. محدوده تحقیق نیز بررسی مبانی نظری و اسنادی مرتبط با زجر و آزار در نظام حقوق بین‌الملل کیفری است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زجر و آزار به عنوان یکی از جنایات علیه بشریت، علاوه بر نقض صریح حقوق بنیادین، واجد ویژگی‌های متمایزی چون عنصر تبعیض و گسترده‌گی یا سازمان‌یافته‌گی اعمال ارتكابی است و در صورت تحقق این عناصر، در زمره جنایات بین‌المللی جدی قرار می‌گیرد.

این پژوهش از حیث علمی و کاربردی مفید است؛ زیرا با تبیین دقیق ابعاد و معیارهای تحقق زجر و آزار، می‌تواند به توسعه ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری، تقویت رویه‌های قضایی و همچنین کمک به سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی برای پیش‌گیری و مقابله مؤثر با این جرم یاری رساند.

۲. مفهوم زجر و آزار

زجر و آزار دو واژه نزدیک به هم‌اند، که در زبان و ادبیات حقوقی تفاوت‌های ظریف اما معناداری دارند.

۲-۱. معنای لغوی

«زجر»^۱ در لغت به معنای بازداشتن، بانگ‌زدن، طردکردن، ترساندن، راندن و ... به کار می‌رود (عمید، ۱۳۶۲: ۵۶۷). واژه «آزار»^۲ نیز به معنای رنج، گزند، درد، ناخوشی و بیماری است (همان: ۶۲)؛ و از ریشه لاتینی «پرسیکیوت»^۳ گرفته شده که مفاهیمی نظیر ستم‌رساندن، آسیب‌زدن و اذیت‌کردن را تداعی می‌کند. از دیدگاه مفهومی می‌توان گفت «زجر» نمود حادث‌تر و شدیدتر آزار است؛ زیرا غالباً با تحمیل درد جسمی یا روانی شدید همراه است؛ مانند شکنجه یک زندانی به منظور کسب اطلاعات یا

1 . Torture.

2 . Persecution.

3 . Persecute

محروم ساختن عمدی فرد از آب و غذا به قصد مجازات؛ درحالی که «آزار» می تواند به شکل های خفیف تر، مانند فحاشی، تهدید به خشونت یا مزاحمت های روانی، نیز تحقق یابد (صیرفی ساسان، ۱۳۸۷: ۵۹ و ۹۶).

۲-۲. تمایز زجر و آزار در اصطلاح حقوقی

با وجود این تفاوت مفهومی، اسناد حقوق بین الملل کیفری غالباً «زجر» و «آزار» را در کنار هم و به عنوان مصادیق جنایت علیه بشریت می شناسند، هرچند عنصر متمایزکننده در سطح حقوقی، نوع و شدت نقض حقوق بنیادین است:

الف. زجر: در معنای حقوقی عموماً معادل «شکنجه» است و بر واردآوردن عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روانی به فرد، به ویژه توسط مأمور دولت یا با رضایت او، دلالت دارد. کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ م. و رویه دادگاه های بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا زجر را به عنوان رفتاری تعریف کرده اند که به قصد تنبیه، ارباب، یا تحصیل اطلاعات انجام می شود.

ب. آزار: کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد نخستین مرجع حقوقی بود، که تعریف روشنی از آزار به عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت ارائه کرد، در تفسیر ماده ۱۸ «طرح کُدها جنایات بین المللی» (۱۹۹۶م)، آزار را به عنوان عملی غیرانسانی تعریف کرده است، که حقوق بشر و آزادی های بنیادین افراد را بدون تبعیض نقض می کند. این حقوق در اسناد بین المللی، مانند منشور ملل متحد و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده اند. این تعریف ویژه زمانی کاربرد دارد که آزار فاقد عنصر قصد خاص برای تحقق جرم «نسل زدایی»^۱ باشد.^۲

دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق نیز در سال ۱۹۹۷ م. و در قضیه تادیچ، با استناد به همین تعریف، آزار را چنین توصیف کرد: «نوعی تبعیض مبتنی بر نژاد، دین یا گرایش سیاسی که به قصد تجاوز به حقوق اساسی فرد انجام می شود و منجر به محرومیت از آن حقوق می گردد» (Prosecutor v. Tadić, 1997, para. 697)؛ براین اساس، آزار باید متضمن یک فعل یا ترک فعل آزاددهنده، هم راه با انگیزه تبعیض آمیز باشد؛ همچنین، عنصر تبعیض نه تنها در نیت مرتکب (عنصر معنوی) بل که در نتیجه عمل (عنصر مادی) نیز باید جلوه گر باشد. این تفسیر موجب بروز اختلاف نظرهایی در رویه قضایی درباره معنای دقیق تبعیض در این جرم شده است. تعریف ارائه شده در قضیه تادیچ، بعدها مبنای تعریف رسمی مندرج در جزء (ز) بند ۲ ماده ۷ اساس نامه دیوان بین المللی کیفری قرار گرفت. در این اساس نامه، آزار چنین تعریف شده است: «محروم ساختن شدید و

1. Genocide.

2. 1996 Draft Code, supra note 30, Commentary on article 18, para, 11.

عمدی یک گروه یا جمعیت از حقوق اساسی‌شان برخلاف موازین حقوق بین‌المللی، به دلیل هویت گروهی یا جمعی آنان».

بدین ترتیب، اگرچه زجر غالباً شکل شدیدتری از آزار به‌شمار می‌رود؛ اما در حقوق بین‌الملل کیفری این دو مفهوم به لحاظ عنصر قانونی و هدف‌گذاری قابل تفکیک‌اند: زجر بر شدت رنج جسمی یا روانی فرد متمرکز است؛ درحالی‌که آزار بر سیاست یا رویه تبعیض‌آمیز علیه گروهی مشخص تأکید دارد. همین تفاوت موجب شده است که در بسیاری از اسناد بین‌المللی، از جمله منشور نورنبرگ، اساس‌نامه رم و رویه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، «زجر و آزار» هم‌زمان و به‌صورت مکمل ذکر شود تا هر دو بُعد شدت رنج فردی و تبعیض گروهی به طور جامع پوشش یابد.

۳. مبانی نظری جنایت زجر و آزار

بررسی جنایت «زجر و آزار» در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری، نیازمند تبیین چهارچوب‌های نظری است که بنیان‌های اخلاقی و حقوقی این جرم را روشن می‌سازد. مهم‌ترین این مبانی عبارت‌اند از:

۳-۱. نظریه کرامت ذاتی انسان

اصل کرامت ذاتی انسان، که ریشه در اسناد جهانی چون منشور ملل متحد (۱۹۴۵) و اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) دارد، اساس منع هرگونه رفتار تحقیرآمیز یا غیرانسانی است. هر فعل زجر و آزار، نقض مستقیم این اصل تلقی می‌شود و مبنای تعهد دولت‌ها به پیش‌گیری و مجازات آن است.

۳-۲. اصل منع تبعیض

اسناد بنیادین بین‌المللی از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی (۱۹۶۵) بر برابری انسان‌ها تأکید دارند. ارتکاب زجر و آزار غالباً بر بستر تبعیض‌های قومی، مذهبی یا سیاسی رخ می‌دهد و ممنوعیت آن، هم به دلیل آسیب به فرد و هم به علت تهدید نظم عمومی بین‌المللی اهمیت دارد.

۳-۳. اصل منع شکنجه و رفتار بی‌رحمانه

کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل (۱۹۸۴) و ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، منع مطلق شکنجه و رفتار غیرانسانی را مقرر می‌دارند. زجر و آزار به‌عنوان مصداق بارز چنین رفتاری، از این اصل سرچشمه می‌گیرد و در زمره «قواعد آمره»^۱ محسوب می‌شود.

1 . jus cogens.

۳-۴. مسؤولیت بین المللی کیفری

بر پایه رویه دادگاه‌های نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق و رواندا، و نیز اساس نامه رُم (۱۹۹۸)، افراد و مقامات رسمی در برابر ارتکاب جنایات علیه بشریت مسؤولیت کیفری دارند. این رویکرد نشان می‌دهد که زجر و آزار نه صرفاً نقض حقوق بشر، بل که جرم بین‌المللی فردی است.^۱

بنابراین، مبانی نظری جنایت زجر و آزار نشان می‌دهد که این جرم، به سبب نقض کرامت ذاتی انسان، تبعیض ساختاری و رفتار غیرانسانی، در زمره قواعد آمره حقوق بین‌الملل قرار دارد و مسؤولیت کیفری فردی مرتکبان را به دنبال دارد. اسناد جهانی از منشور ملل متحد تا کنوانسیون منع شکنجه، نه تنها بر منع مطلق آن تأکید دارند، بلکه دولت‌ها را به همکاری و تعقیب کیفری در سطح ملی و بین‌المللی متعهد می‌سازند. براین اساس، مقابله با زجر و آزار مستلزم هم‌افزایی جهانی و سازوکارهای مؤثر برای پیش‌گیری، پی‌گرد و مجازات است.

۴. ارکان جنایت زجر و آزار

زجر و آزار به عنوان یکی از مهم‌ترین جنایات بین‌المللی، در اسناد متعدد بین‌المللی از جمله اساس نامه دیوان بین‌المللی کیفری تعریف و جرم‌نگاری شده است. برای آن که یک عمل به عنوان جنایت زجر و آزار شناخته شود، باید دارای ارکان زیر باشد:

۴-۱. رکن مادی

رکن مادی این جنایت عبارت است از فعل یا ترک فعلی که شامل هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا غیرانسانی است، که با هدف ایجاد آزار و اذیت شدید جسمی یا روانی قربانی انجام می‌شود. این اعمال می‌توانند شامل ضرب و شتم، حبس، محرومیت از غذا یا آب، تهدید، تحقیر یا هر نوع آزار و اذیت دیگر باشند؛ هم‌چنین، ترک فعل مقامات دولتی در انجام وظایف خود جهت حفاظت از افراد در برابر زجر و آزار نیز می‌تواند جرم تلقی شود.

عناصر تشکیل‌دهنده جنایت زجر و آزار، فعل یا ترک فعلی است، که بر مبنای تبعیض، موجبات زجر و آزار فرد یا گروهی را فراهم می‌سازد؛ با این هدف که فرد یا گروه از برخورداری از حقوق اصلی و بنیادین محروم شود و این محرومیت عملاً تحقق یابد (Prosecutor v. Tadić, 1997, para. 715). منظور از عنصر تبعیض، قصد خاص برای تعرض به فرد یا گروهی به دلیل تعلق به یک اجتماع یا

^۱ دکترین «تعهدات عام‌الشمول (erga omnes)» نیز مقرر می‌دارند که همه دولت‌ها در قبال پیش‌گیری و تعقیب جنایات فاحش، ذی‌نفع و متعهدند؛ بنابراین مبارزه با زجر و آزار مستلزم همکاری بین‌المللی، صلاحیت جهانی و ایجاد سازوکارهای ملی و بین‌المللی است.

گروه معین است.^۱ براین اساس، دادستان در تعقیب جنایت زجر و آزار به عنوان جنایتی علیه بشریت باید تحقق سه رکن را به اثبات برساند.

الف. عناصری که در تمام جنایات علیه بشریت ضروری‌اند؛

ب. سلب فاحش و بارز یکی از حقوق بنیادین، به گونه‌یی که از حیث اهمیت هم‌سنگ سایر جنایات علیه بشریت باشد؛

پ. تحقق عمل مجرمانه براساس تبعیض.

جنایت زجر و آزار شامل اعمالی با شدت و ماهیت متفاوت است، که می‌تواند فیزیکی، اقتصادی یا قضایی باشد و حقوق بنیادین فرد را نقض کند. در پرونده تادیچ دادگاه یوگسلاوی سابق، متهم به دلیل مشارکت در حمله به یک روستا و اقدامات تبعیض‌آمیزی چون توقیف، انتقال اجباری غیرنظامیان، ضرب و شتم و قتل، به جنایت زجر و آزار محکوم شد (Prosecutor v. Tadić, 1997, para. 717).

هم‌چنین، همان‌طور که در پرونده «کوپرسکیچ و دیگران»^۲ توسط شعبه بدوی دوم دادگاه یوگسلاوی سابق توضیح داده شده، اعمال تشکیل‌دهنده زجر و آزار باید به صورت ترکیبی و با در نظر گرفتن تأثیرات جمعی آن‌ها مورد ارزیابی قرار گیرند؛ زیرا ممکن است یک عمل مجرمانه به تنهایی غیرانسانی نباشد، اما مجموعه‌یی از اعمال، به دلیل آثار کلی و جمعی‌شان، غیرانسانی تلقی شوند (Prosecutor v. Kupreškić and Others, 2000, para. 622)؛ باین‌حال، یک عمل مجرمانه واحد نیز می‌تواند به شرط احراز قصد تبعیض‌آمیز، مشمول عنوان زجر و آزار باشد؛ به عنوان نمونه، قتل عمدی یک نفر از گروه اقلیت، اگر بخشی از یک روند گسترده و سازمان‌یافته با هدف تبعیض باشد، جنایت زجر و آزار محسوب می‌شود (Ibid, para. 622).

انواع مختلف اعمال زجر و آزار، مانند قتل عمدی، نابودسازی، شکنجه، هتک ناموس به عنف، برده‌گی و اسارت، از هم قابل تفکیک نیستند و اغلب با هم تداخل دارند. هر یک از این جنایات می‌تواند به تنهایی تحت عنوان زجر و آزار مطرح شود. در پرونده «بلازکیچ»، متهم به دلیل حملات متعدد به شهرها، قتل عمدی، ایراد صدمات شدید بدنی، تخریب و چپاول اموال، رفتار غیرانسانی با غیرنظامیان و انتقال اجباری آنان به جنایت علیه بشریت از نوع زجر و آزار محکوم گردید.^۳ لازم به

۱. در خصوص رکن مادی، شعبه بدوی اول دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده «بلازکیچ» بیان داشت که جنایت زجر و آزار، علاوه بر تعرض به تمامیت جسمانی، روانی یا آزادی فرد، می‌تواند شامل اعمال مجرمانه علیه اموال نیز باشد؛ به شرط آن که انتخاب قربانیان خاص، به دلیل تعلق آن‌ها به یک اجتماع معین باشد (کتی‌شیایزری، ۱۳۹۱: ۲۱۹).

2. Kupreškić and Others.

۳. با این حال، تنوع اعمالی که می‌توانند مشمول زجر و آزار باشند، محدودیت‌هایی نیز دارد. برای مثال، در پرونده «فلیک، Flick»، جرایم علیه اموال صنعتی به عنوان جنایت علیه بشریت محسوب نشد؛ زیرا تأثیر منفی مستقیمی بر زنده‌گی و آزادی افراد تحت ستم نداشت. اما اقدامات اقتصادی که به صورت شخصی و همراه با خشونت یا به عنوان بخشی از یک روند کلی تخریب انجام شوند، می‌توانند زجر و آزار تلقی شوند (Prosecutor v. Kupreškić and Others, 2000, para. 631). معیار تشخیص این است که آیا اموال یا حقوق اقتصادی به اندازه‌یی حیاتی و بنیادین هستند، که محرومیت از آن‌ها به زجر و آزار منجر

ذکر است که اثبات انگیزه تبعیض آمیز در ارتکاب این اعمال برای صدور حکم الزامی بود (Prosecutor v. Blaškić, 2000, paras. 234–235, 260).

۴-۲. رکن معنوی

عنصر معنوی لازم برای تحقق جنایت زجر و آزار، وجود قصد تبعیض آمیز است؛ بدین معنا که مرتکب، با هدف حذف قربانیان از جامعه‌یی که خود و قربانیان در آن زنده‌گی می‌کنند، دست به ارتکاب جرم می‌زند. در برخی موارد، هدف نهایی مرتکب می‌تواند حذف کامل قربانیان از جامعه بشری باشد. چنین روی‌کردی مبتنی بر باوری است که در آن، افراد متعلق به یک گروه قومی، نژادی یا مذهبی خاص، یا گروه‌هایی که از جهات معینی با گروه غالب تفاوت دارند، پست‌تر و فرودست‌تر از آن گروه تلقی می‌شوند. نتیجه چنین دیدگاهی، نقض گسترده، سازمان‌یافته و فاحش حقوق بنیادین انسانی گروه تحت ستم است (Prosecutor v. Kupreškić and Others, 2000, paras. 633–634, 751).

از همین رو، عنصر روانی مورد نیاز برای جنایت زجر و آزار، پیچیده‌تر و چندوجهی‌تر از سایر جنایات علیه بشریت است. این جنایت در بسیاری جهات، با جرم نسل‌زدایی اشتراکاتی دارد، هرچند عنصر روانی آن دو متفاوت است. درحالی‌که عنصر روانی نسل‌زدایی مبتنی بر قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه براساس ویژگی‌های ذاتی آن گروه است؛ در زجر و آزار، قصد بر اعمال تبعیض علیه یک گروه یا اعضای آن از طریق نقض فاحش و نظام‌مند حقوق اساسی انسان‌ها متمرکز است (Ibid, 2000, para 751)، باین حال، اگر شدت زجر و آزار به حدی برسد، که به‌صورت اقدامات عمدی، حساب‌شده و برنامه‌ریزی شده با هدف نابودی یک گروه یا بخشی از آن اجرا شود، چنین رفتاری ممکن است به سطح نسل‌زدایی ارتقا یابد (کیتی‌شیایزری، ۱۳۹۱: ۲۲۴).

در پرونده «کوپرسکیچ و دیگران»، دادگاه یوگسلاوی سابق، شدیدترین مجازات را برای جرم زجر و آزار در نظر گرفت؛ حتا سنگین‌تر از مجازات‌هایی که برای قتل عمد و دیگر اعمال غیرانسانی در قالب جنایات علیه بشریت تعیین شده بود. در این پرونده، دادستان کلیه اقدامات مرتبط با پاک‌سازی قومی علیه قربانیان را تحت عنوان اتهام نخست، یعنی زجر و آزار طبقه‌بندی کرد. این اتهامات شامل طراحی، سازمان‌دهی و اجرای حمله‌یی با هدف حذف یا «پاک‌سازی» کامل مسلمانان بوسنیایی از روستای «آهمیچی – سانتیچی»^۱ و مناطق اطراف آن بود. دادگاه، این اقدامات را به‌عنوان رویه‌یی گسترده از «اعمال خشونت‌آمیز آزاردهنده»^۲ توصیف کرد، که به کشته‌شدن حدود ۱۱۶ نفر،

شود یا خیر؟ اگرچه رکن مادی زجر و آزار ممکن است مشابه سایر جنایات علیه بشریت باشد، ویژگی متمایزکننده آن، ارتکاب براساس دلایل تبعیض آمیز است. لازم نیست متهم در سیاست‌گذاری‌های دولتی دخالت داشته باشد؛ بل که کافی است عمل وی مبتنی بر تبعیض باشد (کیتی‌شیایزری، ۱۳۹۱: ۲۲۲).

1 . Ahmici-santici

2 . persecutory violence.

زخمی شدن حدود ۲۴ تن، تخریب ۱۶۹ خانه و نابودی دو مسجد منجر شد (Prosecutor v. Kupreškić and Others, 2000, paras. 749-754, 761-763). در حالی که در اتهامات مرتبط با قتل عمد، اعمال غیرانسانی و رفتار بی رحمانه، اسامی قربانیان به طور مشخص ذکر شده بود، در اتهام زجر و آزار، از عباراتی کلی مانند «مسلمانان بوسنیایی ساکن ده کده و حوالی آن» استفاده شد. در پرونده «روگیو»^۱، متهم به تحریک مستقیم به نسل زدایی و جنایت علیه بشریت از نوع زجر و آزار اعتراف کرد و دادگاه بدوی رواندا این اعتراف را مبتنی بر ادله کافی دانست. اقدامات وی شامل پخش برنامه های رادیویی برای تحریک به حمله علیه قوم توتسی و بلژیکی ها بود، که با انگیزه تبعیض و هدف محروم سازی آنان از حقوق بنیادین، از جمله جان و آزادی، انجام شد. هدف متهم حذف این گروه ها از جامعه بود؛ اما برخلاف نسل زدایی، قصد نابودی کامل یا جزئی آنان به دلیل ویژه گی های نژادی، قومی یا مذهبی وجود نداشت و گروه ها بیش تر جنبه سیاسی داشتند (کیتی شیایزری، ۱۳۹۱: ۲۲۵-۲۲۶). حال آن که در چهارچوب حقوق بین الملل، گروه های سیاسی در زمره گروه های حمایت شده در جرم نسل زدایی قرار ندارند.

۴-۳. رکن قانونی

رکن قانونی جنایات بین المللی ناظر بر آن است که جرم مورد نظر براساس کدام قاعده معتبر حقوقی، جرم انگاری شده است. در این چهارچوب، رکن قانونی جنایت زجر و آزار به رفتارهایی اشاره دارد، که به صورت عمدی به افراد آسیب می زنند و موجب درد، رنج یا صدمه یی جدی به آنها می شوند. این جنایت عمدتاً در بستر حقوق بین الملل و به ویژه در اساس نامه های دادگاه های بین المللی کیفری تعریف و جرم انگاری شده است. براساس اساس نامه دیوان بین المللی کیفری، تحقق جنایت زجر و آزار مستلزم آن است که این رفتارها «در ارتباط با یکی از اعمال مجرمانه مندرج در بند ۱ ماده ۷ اساس نامه، که به عنوان جنایت علیه بشریت احصاء شده اند، یا در پیوند با سایر جنایاتی که در صلاحیت دیوان قرار دارند» واقع شوند. به موجب رأی دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ، چنان که تعدی به حقوق بنیادین فرد همراه با تبعیض براساس یکی از جهات مقرر (مانند نژاد، مذهب یا عقیده سیاسی) اثبات شود، دیگر نیازی به اثبات ارتکاب عمل غیرانسانی جداگانه یی نیست (Prosecutor v. Tadić, 1997, para. 697).

از این رو، جنایت زجر و آزار نه تنها به رفتارهای مشخص و محدودی خلاصه نمی شود، بل که مجموعه یی از اقدامات متنوع را در بر می گیرد که در بستر تبعیض، به قربانیان آسیب می زنند. بررسی

1. Ruggiu

۲. این شرط وجود «ارتباط»، سابقه یی در منشورهای نورنبرگ و توکیو دارد، اما در دیگر اسناد بین المللی کیفری هم چون اساس نامه دادگاه های بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا، چنین شرطی برای احراز صلاحیت مرجع قضایی مقرر نشده است.

رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی از جمله در پرونده‌های بلانزکیچ و فلیک نیز مؤید این نکته است که تنوع و تداخل در اعمال ارتكابی می‌تواند به احراز این جنایت منتهی شود. نکته اساسی در این میان، عنصر تبعیض آمیز بودن رفتارهاست، که در تعریف جنایت زجر و آزار نقش محوری دارد. این تبعیض می‌تواند بر پایه نژاد، مذهب، عقیده سیاسی و نیز دیگر ویژگی‌ها از جمله سن، جنسیت، معلولیت و وضعیت اجتماعی شکل گیرد؛ همان‌گونه که شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ بر شمول سایر دلایل تبعیض آمیز تأکید کرده است. درواقع، هدف حقوق بین‌الملل کیفری از جرم‌انگاری چنین رفتارهایی، صیانت از کرامت انسانی و جلوگیری از تکرار جنایات مشابه در آینده است.

۵. تمایز جنایت زجر و آزار با نسل‌زدایی

جنایت نسل‌زدایی پیوندی تنگاتنگ با جنایت علیه بشریت از نوع زجر و آزار دارد. به عبارت دیگر، ارتكاب نسل‌زدایی را می‌توان، صرف‌نظر از قصد مرتکب، در چهارچوب جنایت زجر و آزار تحلیل کرد. با این حال، آن‌چه این دو جنایت را از یک‌دیگر متمایز می‌سازد، عنصر روانی خاص در نسل‌زدایی است. در جنایت زجر و آزار، مرتکب، قربانیان را به دلیل تعلق آنان به یک گروه خاص هدف قرار می‌دهد، اما لزوماً در پی نابودی آن گروه به سبب ویژگی‌های ذاتی‌شان نیست (Prosecutor v. Jelisić, 1999, para. 79). در مقابل، در نسل‌زدایی، هدف‌گیری تبعیض آمیز گروه با نیت خاص نابودی تمام یا بخشی از آن، وجه تمایز اساسی به‌شمار می‌رود. برای احراز مسئولیت کیفری یک فرد به سبب نسل‌زدایی، وجود قصد خاص مبنی بر نابودی یک گروه - به لحاظ ملی، قومی، نژادی یا مذهبی - باید فراتر از تردید معقول به اثبات برسد. صرف رفتار تبعیض آمیز علیه یک گروه، هرچند ممکن است برای تحقق جنایت زجر و آزار کافی باشد، اما برای اثبات نسل‌زدایی کافی نیست. به عبارت دیگر، درحالی‌که انگیزه تبعیض آمیز در زمره عناصر اصلی روانی جنایت زجر و آزار قرار دارد، در نسل‌زدایی باید این انگیزه با هدف نهایی نابودی گروه همراه باشد.

در پرونده «جلیسیک»^۱، دادگاه، اگرچه قصد متهم در اعمال زجر و آزار نسبت به گروه قربانی را محرز دانست، اما چون نتوانست قصد خاص او برای نابودی آن گروه را ثابت کند، وی را از اتهام نسل‌زدایی تبرئه نمود (Ibid, paras.77,93). این در حالی است که جلیسیک به واسطه اعمالش به «آدولف صرب‌ها» و «جلاد بازداشت‌گاه لوکا» شهرت یافته بود و بارها اقدام به قتل بازداشت‌شده‌گان مسلمان و گاه کروات کرده بود.

¹ Jelisić

براساس شق (ح) از بند ۱ ماده ۷ اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، جنایت زجر و آزار به عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت شناخته می‌شود. تحقق این جرم مستلزم آن است که مرتکب با انگیزه‌ی تبعیض‌آمیز، اقدام به زجر و آزار گروهی مشخص بر پایه عوامل سیاسی، قومی، نژادی، مذهبی یا سایر جهات مشابه نماید. این پرسش مطرح می‌شود که در چنین شرایطی، چه‌گونه می‌توان میان جنایت زجر و آزار و نسل‌زدایی تمایز قائل شد؟ در برخی موارد، این تمایز روشن است؛ به‌ویژه زمانی که انگیزه تبعیض‌آمیز، خارج از چهار معیار مقرر در نسل‌زدایی (ملی، قومی، نژادی، مذهبی) باشد؛ مانند انگیزه‌های سیاسی، فرهنگی یا جنسیتی. در چنین مواردی، اصولاً نسل‌زدایی موضوعیت ندارد؛ اما در مواردی که زجر و آزار نیز بر پایه همان چهار معیار مذکور انجام می‌شود، تشخیص میان دو جنایت، به‌ویژه از منظر رکن روانی، نیازمند دقت بیشتری است؛ چرا که از حیث رکن مادی، تمایز معناداری میان آن‌ها وجود ندارد؛ بنابراین، عنصر تعیین‌کننده در تمایز این دو، نیت خاص نابودی گروه در نسل‌زدایی است. در جنایت زجر و آزار، مرتکب ممکن است افراد را به دلیل تعلق به یک گروه خاص هدف قرار دهد، اما بدون آن که قصد نابودی آن گروه را داشته باشد؛ درحالی که برای تحقق نسل‌زدایی، اثبات قاطع قصد نابودی کلی یا جزئی گروه ضروری است. صرف وجود انگیزه تبعیض‌آمیز، بدون احراز این قصد خاص، نمی‌تواند مبنای مسؤولیت کیفری برای نسل‌زدایی باشد (پوربافرانی، ۱۴۰۱: ۲۷۰-۲۷۱).

در نهایت، آنچه در تحلیل حقوقی باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که جنایت زجر و آزار می‌تواند مستقل از نسل‌زدایی تحقق یابد؛ درحالی که تحقق نسل‌زدایی، مستلزم وجود سطح بالاتری از قصد جنایت‌کارانه نسبت به نابودی یک گروه انسانی معین است. این تمایز مفهومی و حقوقی، برای رعایت اصول عدالت کیفری بین‌المللی و تعیین دقیق مسؤولیت کیفری مرتکبان، حیاتی است.

۶. ابعاد جنایت زجر و آزار

زجر و آزار شامل اعمال عمدی خشونت‌آمیز است، که درد و رنج شدید جسمی یا روانی بر افراد وارد می‌کند و هم نقض حقوق بشر است و هم در زمره جنایات علیه بشریت قرار می‌گیرد. شناسایی این رفتارها اهمیت ویژه‌ی دارد؛ زیرا ناقض کرامت انسانی و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل‌اند و جامعه جهانی موظف به مقابله و مجازات عاملان آن است.

براساس «کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز»^۱ مصوب ۱۹۸۴م. سازمان ملل متحد، شکنجه در وهله نخست در قالب آسیب‌های جسمانی تعریف می‌شود. با این حال، امروزه اعمال آزاردهنده روانی نیز در زمره شکنجه قرار

¹ United Nations Convention Against Torture, 1984

گرفته‌اند. حتی فراتر از آن، قراردادن فرد در موقعیتی برخلاف میل و اراده او نیز می‌تواند مصداق شکنجه باشد؛ بنابراین، دامنه مفهوم شکنجه دیگر به صرف خشونت‌های جسمی یا روانی محدود نمی‌شود، بل که هرگونه رفتاری که مغایر با اراده‌ی آزاد انسان و ناقض اختیار او باشد، ممکن است در چهارچوب شکنجه، زجر یا آزار قرار گیرد؛ باین‌حال، زجر و آزار به‌عنوان جنایت بین‌المللی، دارای ابعاد مختلفی است، که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۶-۱. نقض حقوق بشر

زجر و آزار، مصداقی آشکار از نقض فاحش حقوق بنیادین بشر به‌شمار می‌رود؛ ازجمله حق حیات، حق بر سلامت و امنیت فردی، و حق آزادی از شکنجه، رفتارهای غیرانسانی، ظالمانه و تحقیرآمیز است.^۱ به‌عنوان نمونه، در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، رژیم صهیونیستی اسرائیل طی دو دهه اخیر با اعمال محاصره همه‌جانبه علیه نوار غزه، علی‌رغم درخواست‌های مکرر جامعه بین‌المللی برای پایان دادن به این وضعیت، موجب تشدید و استمرار وخامت وضعیت حقوق بشر در این منطقه شده است. این زنجیره از اعمال خشونت‌آمیز و سیستماتیک، اکنون در قالب عناوینی چون «جنایات علیه بشریت» و «جنایات جنگی» مورد شناسایی قرار گرفته است (حسینی اکبرنژاد، ۱۴۰۳: ۱۴۲).

گزارش‌گر ویژه سازمان ملل متحد به‌صراحت، محاصره غزه را نوعی «حصر فیزیکی» تلقی کرده است؛ محاصره‌یی که از سال ۲۰۰۷م. تاکنون، بیش از دو میلیون نفر از مردم فلسطین را هدف مجازات جمعی قرار داده است. این ساختار فیزیکی اشغال، با هدف محدودسازی قلمرو جغرافیایی فلسطینیان و ازمیان بردن فضای سیاسی و مدنی آنان طراحی شده و در عمل، نوار غزه را به زندانی بزرگ تبدیل کرده است. در این ساختار سرکوب‌گر، رژیم اسرائیل با به‌کارگیری مجموعه‌یی از سازوکارهای فیزیکی، اداری و دیجیتالی، نه‌تنها آزادی‌های بنیادین مردم فلسطین را به شکلی گسترده و خودسرانه سلب کرده، بل که آنان را در معرض رفتاری تحقیرآمیز، ظالمانه و ضدانسانی قرار داده است. پیامدهای این وضعیت، در سطحی وسیع و نگران‌کننده، مصداق بارز نقض حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است (A/HRC/53/59, 2023, paras. 81–93). براساس نظر شماری از حقوق‌دانان، این اقدامات ناقض قوانین بین‌المللی، به‌ویژه در قالب «جنایت علیه بشریت» قابل تحلیل است؛ چرا که مردم فلسطین، به‌عنوان یک گروه خاص، هدف آزار و اذیت‌های گسترده و سازمان‌یافته قرار گرفته‌اند (FIDH, 2023: 2).

سازمان ملل متحد، نهادهای حقوق بشری و گروه‌های مستقل بین‌المللی بارها این اقدامات رژیم صهیونیستی را به‌شدت محکوم کرده و خواستار انجام تحقیقات مستقل، بی‌طرفانه و شفاف درباره این

^۱ ممنوعیت شکنجه <https://fa.wikifeqh.ir/>

جنایات و محاکمه‌های عاملان آن شده‌اند. در همین راستا، دیوان بین‌المللی کیفری در تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۲۴ با صدور حکمی تاریخی، دستور جلب بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اسرائیل، و یوآو گالانت، وزیر دفاع پیشین این رژیم را به اتهام ارتکاب «جنایات علیه بشریت» و «جنایات جنگی» صادر کرد.^۱

بنابراین اقدامات رژیم اسرائیل در محاصره همه‌جانبه و حملات بر نوار غزه (از ۲۰۰۷ تا کنون) نمونه‌ی معاصر از رفتاری است که می‌تواند در چهارچوب «جنایت زجر و آزار» تحلیل شود. گزارش‌های مستند شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از محدودیت شدید ورود غذا، دارو و سوخت، بمباران مکرر تأسیسات غیرنظامی و تحمیل رنج گسترده جسمی و روانی بر جمعیتی بیش از دو میلیون نفر حکایت دارد. این اقدامات با معیار «تحمیل درد و رنج شدید» که عنصر مادی جرم زجر و آزار است، هم‌خوانی دارد. محاصره سیستماتیک و طولانی‌مدت، همراه با سیاست‌های تبعیض آمیز براساس هویت ملی و قومی مردم فلسطین، نشان‌گر «قصد تبعیض» است؛ چنان‌که گزارش‌های نهادهای مستقل بین‌المللی، بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند، که الگوی اعمال اسرائیل با عناصر جرم زجر و آزار یعنی رنج شدید، تبعیض مبتنی بر هویت جمعی، و ارتباط با حمله گسترده یا سیستماتیک علیه غیرنظامیان مطابقت دارد.

۲-۶. جنایت علیه بشریت

اعمال زجر و آزار به‌طور گسترده یا سیستماتیک علیه غیرنظامیان، به‌عنوان بخشی از یک حمله به غیرنظامیان، جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود. در طول تاریخ، نمونه‌های متعددی از زجر و آزار به‌عنوان جنایت بین‌المللی در سراسر جهان رخ داده است. در این‌جا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

الف. جنایات جنگی در یوگسلاوی: در طول جنگ‌های یوگسلاوی در دهه ۱۹۹۰م، نیروهای صرب مسلمانان را در اردوگاه‌های کار اجباری مورد شکنجه و قتل عام قرار دادند. این اقدامات نیز به‌عنوان جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی شناخته می‌شوند؛^۲

ب. زندان ابوغریب: در طول جنگ عراق، سربازان امریکایی زندانیان عراقی را در زندان ابوغریب مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار دادند. این اقدامات به‌عنوان جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی شناخته می‌شوند؛^۳

^۱ <https://www.bbc.com/persian/articles/czdly9dngleo>.

^۲ <https://www.radiofarda.com/a/un-court-beefs-up-convictions-of-milosevic-aides-in-final-yugoslav-case/32437361.html>

^۳ Abu Ghraib Prison

ج. زندان گوانتانامو،^۲ نماد نقض حقوق بشر در قرن معاصر: این زندان که به‌عنوان یکی از مخوف‌ترین زندان‌های جهان شناخته می‌شود، در خلیج گوانتانامو واقع شده در اختیار ایالات متحده آمریکا قرار دارد. آمریکا این منطقه را از کوبا اجاره کرده و تاکنون آن را به‌عنوان پای‌گاهی نظامی حفظ کرده است. زندان گوانتانامو، از سال ۲۰۰۲م. به‌عنوان بازداشت‌گاه متهمان به تروریسم شناخته می‌شود و به‌سرعت نماد نقض حقوق بشر در عصر معاصر گردید.^۳ تفاوت اصلی آن با سایر زندان‌ها، بازداشت افراد بدون محاکمه و برای مدت نامعلوم است؛ امری که آزادی آنان را تقریباً غیرممکن می‌سازد. شرایط این زندان غیرانسانی و طاقت‌فرساست: سلول‌های کوچک و توری‌دار، نبود امکانات اولیه، محرومیت از خواب، رفتار خشن و کینه‌توزانه نگه‌بانان، و غذایی اندک و بی‌کیفیت که زندانیان را به اعتصاب غذا و حتی مرگ به‌عنوان راه‌هایی سوق می‌دهد.^۴ اعتراض‌ها نیز با تغذیه اجباری و شکنجه‌های جسمی و روانی پاسخ داده می‌شود؛ شکنجه‌هایی هم‌چون خفه‌گی مصنوعی، آویزان کردن طولانی‌مدت، پخش صداهای آزاردهنده و نورپردازی‌های مخرب روان.^۵ بازجویی‌ها با نظارت پزشکی صرفاً برای جلوگیری از مرگ ناگهانی صورت می‌گیرد تا فشارها ادامه یابد. ورود خبرنگاران ممنوع و شرایط به‌شدت پنهان‌کاری شده است. سازمان‌ها و مدافعان حقوق بشر بارها تعطیلی یا انتقال این زندان به خاک آمریکا را خواستار شده‌اند، اما ارتش با هدف حفظ آزادی در اعمال شکنجه مقاومت کرده است.^۶ در مجموع، گوانتانامو به‌دلیل نبود روند قضایی عادلانه و رفتارهای غیرانسانی، به‌عنوان نمونه آشکار نقض حقوق بشر و شکنجه و زجر و ازار سازمان‌یافته در قرن حاضر شناخته می‌شود.

۷. سازوکارهای حقوقی برای جلوگیری و مبارزه با جنایت زجر و آزار

مبارزه و جلوگیری از جنایات زجر و آزار نیاز به یک تلاش مشترک از سوی جامعه بین‌المللی دارد، که در این راستا اقدامات مختلفی تاکنون انجام شده، مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

1. https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%DA%A9%D9%86%D8%AC%D9%87_%D9%88_%D8%A2%D8%

2 . Guantanamo Prison.

3. <https://www.irna.ir/news/84999611/%D8%AC%D8%B2%D8%A6%DB%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%AA%DA%A9%D8%A7%D9%86>

4. https://www.bbc.com/persian/news/story/2013/02/printable/060209_w-kf-guantanamo.

5 . <https://www.darivoo.com/a/icrc-says-guantanamo-detainees-display-symptoms-of-accelerated-ageing/7061814.html>.

6 . <https://www.mashreghnews.ir/news/135070/%D8%B1%D9%88-%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D9%88%DB%8C%D8%B1>.

7. <https://www.irna.ir/x3r5dH>.

۷-۱. کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی

الف. کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز: این کنوانسیون که در سال ۱۹۸۴ م. به تصویب رسیده، شکنجه را به طور مطلق و بدون هیچ استثنایی ممنوع می‌کند. این کنوانسیون تعریف جامعی از شکنجه ارائه می‌دهد و کشورهای عضو را ملزم می‌کند که از شکنجه در تمام شرایط خودداری نموده و تدابیری لازم را برای جلوگیری از آن اتخاذ کنند (Convention Against Torture, 1984).

ب. اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری: این اساس‌نامه که در سال ۱۹۹۸ م. به تصویب رسیده جنایت زجر و آزار را به عنوان یکی از مصادیق جنایت برضد انسانیت به رسمیت می‌شناسد، و صلاحیت رسیده‌گی به متهمان آن جنایت که توسط یک کشور عضو یا شورای امنیت ملل متحد به آن ارجاع شود را دارد (Rome Statute of the International Criminal Court, 1998).

۷-۲. سازوکارهای حقوق بشری بین‌المللی

الف. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد: یکی از نهادهای سازمان ملل متحد و از ارکان فرعی مجمع عمومی آن سازمان است، که وظیفه آن نشان دادن موارد نقض حقوق بشر می‌باشد. این شورا می‌تواند موارد نقض حقوق بشر از جمله شکنجه، زجر و آزار و ... را تحقیق کند و گزارش دهد؛

ب. کمیته ضد شکنجه سازمان ملل متحد: این کمیته وظیفه دارد که اجرای کنوانسیون منع شکنجه را نظارت کند و هم‌چنین می‌تواند شکایات افراد و گروه‌ها را در موارد آزار و شکنجه بررسی کند و به دولت‌ها توصیه‌های در مورد چه‌گونه‌گی پیش‌گیری و مجازات‌های عاملان آن ارائه دهد؛

ج. گزارش‌گر ویژه سازمان ملل متحد در مورد شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز: این گزارش‌گر وظیفه دارد که در ارتباط موارد شکنجه و آزار در سراسر جهان تحقیق کند و گزارش دهد و هم‌چنین می‌تواند به قربانیان آن جرایم کمک کند و از آن‌ها حمایت نماید.

1 . United Nations Human Rights Council.

2 . Committee Against Torture (CAT).

3 . UN Special Rapporteur on Torture.

۷-۳. اقدامات ملی

الف. قوانین داخلی: بسیاری از کشورها قوانینی دارند که شکنجه، زجر و آزار را ممنوع می‌کند. این قوانین ممکن است بر اساس کنوانسیون منع شکنجه یا سایر معاهدات بین‌المللی باشد، یا ممکن است قوانین خاص داخلی خود را داشته باشد؛

ب. دادگاه‌های ملی: دادگاه‌های ملی در برخی از کشورها صلاحیت رسیده‌گی به اتهامات شکنجه را دارند، حتی اگر شکنجه در کشور دیگری رخ داده باشد. این به موجب اصل صلاحیت جهانی است که به دادگاه ملی اجازه می‌دهد در مورد جرایم خاصی، صرف نظر از این که در کجا رخ داده است، تحقیق و محاکمه کنند.

با این حال، مبارزه با جنایات زجر و آزار نیازمند هم‌کاری گسترده جامعه بین‌المللی است. کنوانسیون منع شکنجه این اعمال را مطلقاً ممنوع کرده و دولت‌ها را به پیش‌گیری و مجازات آن ملزم می‌سازد، و اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز زجر و آزار را از مصادیق جنایت علیه بشریت می‌داند. نهادهایی چون شورای حقوق بشر و کمیته مقابله با شکنجه بر اجرای این تعهدات نظارت دارند و بسیاری از کشورها با جرم‌انگاری شکنجه در قوانین داخلی، دادگاه‌های ملی را برای رسیده‌گی حتی به اعمال خارج از کشور توانمند کرده‌اند. با این حال، مقابله مؤثر مستلزم ایجاد سازوکارهای شفاف گزارش‌دهی، حمایت از سازمان‌های مدنی، ترویج فرهنگ پاسخ‌گویی، آموزش و اعمال تحریم‌های هدفمند علیه ناقضان حقوق بشر است.

۸. مناقشه

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که «زجر و آزار» نه تنها یکی از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت است، بل که در اسناد و آرای قضایی بین‌المللی جای‌گاهی تثبیت‌شده یافته است. این نتیجه با نظر بسیاری از پژوهش‌گران هم‌سو است. برای نمونه، کریانگ ساک کیتی شیایزری^۱ با تأکید بر تحول تاریخی جنایات علیه بشریت، بر این باور است که «زجر و آزار» به دلیل ماهیت سیستماتیک و گسترده خود باید همواره در ردیف جرایم بین‌المللی مورد پی‌گرد قرار گیرد؛ هم‌چنین، حسن پوربافرانی و ساسان صیرفی در تحلیل‌های خود، همانند یافته‌های این پژوهش، بر این نکته پافشاری دارند که «زجر و آزار» جلوه‌یی از نقض فاحش کرامت انسانی است و نمی‌توان آن را به جرایم داخلی یا پراکنده تقلیل داد.

از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها با یافته‌های حاضر ناهم‌سو به نظر می‌رسند. به‌عنوان مثال، در تفسیرهای اولیه دادگاه نورنبرگ، دامنه «زجر و آزار» محدود به زمینه‌های نژادی، مذهبی و سیاسی

تلقی شد و این امر باعث گردید بسیاری از اشکال دیگر تبعیض و آزار، مانند تبعیض مبتنی بر جنسیت یا ناتوانی جسمی، از شمول این جرم خارج شود.

در مقابل، یافته‌های این تحقیق هم‌سو با روی‌کرد متأخر دادگاه یوگسلاوی سابق است، که در پرونده تادیچ تأکید کرد دلایل تبعیض باید به‌گونه‌ای موسع تفسیر شوند تا از ایجاد خلأ حمایتی جلوگیری گردد.

افزون بر این، بخشی از ادبیات حقوقی بر تمایز میان «نسل‌زدایی» و «زجر و آزار» تمرکز نموده و بر آن است که تحقق نسل‌زدایی نیازمند قصد خاص نابودی یک گروه است؛ درحالی‌که «زجر و آزار» حتا بدون قصد نابودی، صرفاً با انگیزه تبعیض تحقق می‌یابد. این تحلیل دقیقاً با یافته‌های حاضر هم‌راستا است که بر کفایت عنصر تبعیض برای احراز جرم تأکید دارد.

با این حال، پژوهش حاضر با ترکیب تحلیل و بررسی رویه قضایی و اسناد بین‌المللی معاصر، جای‌گاهی نوآورانه در ادبیات حقوق کیفری بین‌المللی پیدا می‌کند: نخست، با ارائه الگویی منسجم برای ارکان مادی، معنوی و قانونی جرم زجر و آزار، دوم، با تبیین تفاوت‌های ماهوی آن با نسل‌کشی و شکنجه؛ و سوم، با تأکید بر نیاز به هم‌کاری جهانی و تقویت مکانیزم‌های ملی و بین‌المللی برای پیش‌گیری و تعقیب این جرم. این دستاوردها می‌تواند مبنای مطالعات آینده و اصلاح رویه قضایی و تقنینی در حوزه جرایم علیه بشریت قرار گیرد.

۹. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تحلیل و بررسی اسناد بین‌المللی، رویه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری و نظریه‌های بنیادین حقوق بشر نشان داد که «زجر و آزار» به‌عنوان جنایت بین‌المللی، مفهومی فراتر از شکنجه یا نقض صرف حقوق بشر است. این جنایت در قالب جنایت علیه بشریت تعریف می‌شود و تحقق آن مستلزم وجود سه رکن مادی، معنوی و قانونی است. بررسی اسناد بین‌المللی هم‌چون اساس‌نامه رُم، کنوانسیون منع شکنجه و آرای دادگاه‌های نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق و رواندا آشکار کرد که عنصر اساسی این جرم، تعرض سازمان‌یافته یا گسترده به کرامت ذاتی انسان‌ها و نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل است.

نتایج تحقیق بیان‌گر آن است که تمایز «زجر و آزار» با نسل‌زدایی یا سایر اشکال نقض حقوق بشر در گستره و هدف آن نهفته است؛ درحالی‌که نسل‌زدایی به نابودی فیزیکی یک گروه می‌انجامد، زجر و آزار می‌تواند بدون نابودی فیزیکی، با ایجاد رنج شدید جسمی و روانی، بنیان‌های حیات انسانی و اجتماعی قربانیان را درهم بشکند. به علاوه، ارکان معنوی این جرم بر نیت خاص عاملان و آگاهی

آن‌ها از حمله گسترده یا سیستماتیک علیه غیرنظامیان تأکید دارد و از این رو اثبات آن نیازمند دقت و استناد دقیق به شواهد و رویه قضایی بین‌المللی است.

بر پایه یافته‌ها، مقابله مؤثر با جنایت زجر و آزار مستلزم هم‌کاری فراگیر دولت‌ها، تقویت سازوکارهای ملی و بین‌المللی و تصویب و اجرای اسناد تکمیلی حقوق بشری است. ایجاد نظام‌های کارآمد قضایی، حمایت جهانی از حقوق بنیادین و شناسایی صلاحیت جهانی نقش تعیین‌کننده‌ی در پیش‌گیری و تعقیب این جرم دارد. این پژوهش تأکید می‌کند که تنها با تلفیق ابزارهای حقوقی، سیاسی و اجتماعی و با تکیه بر اصل کرامت انسانی می‌توان در برابر این جنایت ایستاده‌گی کرد و از تکرار آن در جوامع گوناگون جلوگیری نمود.

ORCID

Mohsen Ghadir



<https://orcid.org/0009-0006-0709-3299>

Alimohammad Ekhtiyari



<https://orcid.org/0009-0009-0207-5405>

ارجاع به این مقاله (APA):

. قدیر، محسن؛ اختیاری، علی محمد. (۱۴۰۴). «بررسی ابعاد زجر و آزار به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی». فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب. ۱۴(۳): ۲۳۹-۲۶۱.

<https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.3.11>

To Cite this Article (APA):

. Ghadir, Mohsen; Ekhtiyari, Alimohammad. (2025). "The Analysis of the Dimensions of Torture and Ill-Treatment as an International Crime". *Ghalib Journal*. 14(3). 239-261.

<https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.3.11>

سرچشمه‌ها

۱. پوریافرانی، حسن. (۱۴۰۰). **حقوق جزای بین‌الملل**. تهران: انتشارات جنگل.
۲. عمید، حسن. (۱۳۶۲). **فرهنگ فارسی عمید**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. کیتی شیایزری، کریانگ ساک. (۱۳۸۳). **حقوق بین‌المللی کیفری**. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی. تهران: انتشارات سمت.
۴. حسینی اکبرنژاد، هاله. (۱۴۰۳). «احراز نقض فاحش حقوق بشر و ارتکاب جنایات بین‌المللی علیه مردم غزه قبل و بعد از ۷ اکتبر در رویه نهادهای حقوق بشری». *مطالعات سیاسی جهان اسلام*. ۱۴۹ (۴۹): ۱۳۹-۱۶۷. <https://doi.org/10.30479/psiw.2024.20080.3315>
۵. صیرفی، ساسان. (۱۳۸۷). «تعقیب و آزار به‌عنوان جنایت علیه بشریت». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق بین‌الملل، دانش‌گاه تهران، دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی. <https://elmnet.ir/vslgg?id=10466284-41111>

۶. گرهارد، ورله. (۱۳۸۷). «جنایات علیه بشریت در حقوق بین الملل معاصر». ترجمه امیرساعد وکیل. مجله حقوقی بین المللی. (۳۹). ۵۹-۱۰۰. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2010.17384>

7. Charter of the Nuremberg Tribunal. (1945).
8. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY). (1993).
9. Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR). (1994).
10. Charter of the Tokyo Tribunal. (1946).
11. Rome Statute of the International Criminal Court. (1998).
12. Charter of the United Nations. (1945).
13. International Covenant on Civil and Political Rights. (1966).
14. United Nations Convention Against Torture. (1984).
15. United Nations Human Rights Council. (2023, August 28). Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Palestinian territories occupied since 1967 (A/HRC/53/59). <https://undocs.org/A/HRC/53/59>
16. FIDH – International Federation for Human Rights. (2023, November). Resolution on Israel's unfolding crime of genocide and other crimes in Gaza and against the Palestinian People. <https://reliefweb.int/report/occupied-palestinian-territory/fidh-resolution-israels-unfolding-crime-genocide-and-other-crimes-gaza-and-against-palestinian>
17. United Nations International Law Commission. (1996). Draft Code of Crimes Against the Peace and Security of Mankind with commentaries. Commentary on Article 18, para. 11.
18. Schwelb, E. (1946). Article 6(c) of the Nuremberg Charter. British Yearbook of International Law, 23, 178. See also: Clark, R. S. (1990). In Ginsburgs, G., & Kudriavtsev, K. N. (Eds.), The Nuremberg Trial and International Law (p. 177).
19. Graven, J. (1950). Les crimes contre l'humanité. Recueil des Cours, 76, 427.
20. Cassese, A. (2000). Reflections on International Criminal Law. European Journal of International Law, 11, 187.
21. Meron, T. (2000). International Criminalization of Internal Atrocities. American Journal of International Law, 94, 78.
22. Bassiouni, M. C. (1999). Crimes Against Humanity: Historical Evolution and Contemporary Application (2nd ed., p. 60). Kluwer Law International.
23. Osten, P. (2003). Der Tokioter Kriegsverbrecherprozess und die japanische Rechtswissenschaft.
24. Brand, J. T. (1949). The Tokyo War Crimes Trial. Oregon Law Review, 28, 93.
25. Jagusch, H. (1949). Süddeutsche Juristenzeitung, Column 620; Lange, R. (1948). Süddeutsche Juristenzeitung, Column 655; Meyrowitz, H. (1960). La répression des crimes contre l'humanité par les tribunaux allemands, 213.
26. Chilean National Commission on Truth and Reconciliation. (1993). Report of the Chilean National Commission on Truth and Reconciliation (Vols. 1 & 2).
27. Prosecutor v. Duško Tadić, Case No. IT-94-1-T, Judgment (May 7, 1997), International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia.
28. Prosecutor v. Radoslav Blaškić, Case No. IT-95-14-T, Judgment (March 3, 2000), International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia.

28. Prosecutor v. Kupreškić et al., Case No. IT-95-16-T, Judgment (January 14, 2000), International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia.
29. Prosecutor v. Goran Jelisić, Case No. IT-95-15-T, Judgment (December 14, 1999), International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia.
30. BBC Persian. (n.d.). آیا اسرائیل مرتکب نسل‌کشی شده است؟
<https://www.bbc.com/persian/articles/czdly9dngleo>
31. Deutsche Welle Persian. (n.d.). گزارش دویچه‌وله درباره رویدادهای خاورمیانه
<https://www.dw.com/fa-ir/%D8%AF/a-70844772>
32. Radio Farda. (2023, June). UN court beefs up convictions of Milosevic aides in final Yugoslav case. <https://www.radiofarda.com/a/un-court-beefs-up-convictions-of-milosevic-aides-in-final-yugoslav-case/32437361.html>
33. Wikipedia contributors. (n.d.). شکنجه و آزار آن
https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%DA%A9%D9%86%D8%AC%D9%87_%D9%88_%D8%A2%D8%
34. IRNA. (n.d.). جزئیات تکران‌دهنده از موارد نقض حقوق بشر در زندان‌ها
<https://www.irna.ir/news/84999611>
35. VOA Dari. (2023, March). ICRC says Guantanamo detainees display symptoms of accelerated ageing. <https://www.darivoo.com/a/icrc-says-guantanamo-detainees-display-symptoms-of-accelerated-ageing/7061814.html>
36. BBC Persian. (2013, February). نگاهی به شرایط بازداشتگاه گوانتانامو
https://www.bbc.com/persian/news/story/2013/02/printable/060209_w-kf-guantanamo
37. Mashregh News. (n.d.). روایت رسانه‌ای از وضعیت حقوق بشر
<https://www.mashreghnews.ir/news/135070>
38. IRNA. (n.d.). گزارش خبری از نقض حقوق بشر
<https://www.irna.ir/x3r5dH>
39. OHCHR. (n.d.). Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/convention-against-torture-and-other-cruel-inhuman-or-degrading>
40. OHCHR. (n.d.). Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (Homepage). https://www.ohchr.org/en/onchr_homepage
41. Wikifeqh. (n.d.). ممنوعیت شکنجه (حقوق جزا)
<https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%85%D9%86%D9%88%D8%B9>

References

1. Charter of the Nuremberg Tribunal. (1945).
2. Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY). (1993).
3. Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR). (1994).
4. Charter of the Tokyo Tribunal. (1946).
5. Rome Statute of the International Criminal Court. (1998).
6. Charter of the United Nations. (1945).
7. International Covenant on Civil and Political Rights. (1966).
8. United Nations Convention Against Torture. (1984).

9. United Nations Human Rights Council. (2023, August 28). Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Palestinian territories occupied since 1967 (A/HRC/53/59). <https://undocs.org/A/HRC/53/59>
10. FIDH – International Federation for Human Rights. (2023, November). Resolution on Israel's unfolding crime of genocide and other crimes in Gaza and against the Palestinian People. <https://reliefweb.int/report/occupied-palestinian-territory/fidh-resolution-israels-unfolding-crime-genocide-and-other-crimes-gaza-and-against-palestinian>
11. United Nations International Law Commission. (1996). Draft Code of Crimes Against the Peace and Security of Mankind with commentaries. Commentary on Article 18, para. 11.
12. Schwelb, E. (1946). Article 6(c) of the Nuremberg Charter. British Yearbook of International Law, 23, 178. See also: Clark, R. S. (1990). In Ginsburgs, G., & Kudriavtsev, K. N. (Eds.), The Nuremberg Trial and International Law (p. 177).
13. Graven, J. (1950). Les crimes contre l'humanité. Recueil des Cours, 76, 427.
14. Cassese, A. (2000). Reflections on International Criminal Law. European Journal of International Law, 11, 187.
15. Meron, T. (2000). International Criminalization of Internal Atrocities. American Journal of International Law, 94, 78.
16. Bassiouni, M. C. (1999). Crimes Against Humanity: Historical Evolution and Contemporary Application (2nd ed., p. 60). Kluwer Law International.
17. Osten, P. (2003). Der Tokioter Kriegsverbrecherprozess und die japanische Rechtswissenschaft.
18. Brand, J. T. (1949). The Tokyo War Crimes Trial. Oregon Law Review, 28, 93.
19. Jagusch, H. (1949). Süddeutsche Juristenzeitung, Column 620;
20. Lange, R. (1948). Süddeutsche Juristenzeitung, Column 655;
21. Meyrowitz, H. (1960). La répression des crimes contre l'humanité par les tribunaux allemands, 213.
22. Chilean National Commission on Truth and Reconciliation. (1993). Report of the Chilean National Commission on Truth and Reconciliation (Vols. 1 & 2).
23. Prosecutor v. Duško Tadić, Case No. IT-94-1-T, Judgment (May 7, 1997), International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia.
24. Prosecutor v. Radoslav Blaškić, Case No. IT-95-14-T, Judgment (March 3, 2000), International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia.
25. Prosecutor v. Kupreškić et al., Case No. IT-95-16-T, Judgment (January 14, 2000), International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia.
26. Prosecutor v. Goran Jelisić, Case No. IT-95-15-T, Judgment (December 14, 1999), International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia.
27. BBC Persian. (n.d.). آیا اسرائیل مرتکب نسل‌کشی شده است؟ <https://www.bbc.com/persian/articles/czdly9dngleo>
28. Deutsche Welle Persian. (n.d.). گزارش دویچه‌وله درباره رویدادهای خاورمیانه. <https://www.dw.com/fa-ir/%D8%AF/a-70844772>
29. Radio Farda. (2023, June). UN court beefs up convictions of Milosevic aides in final Yugoslav case. <https://www.radiofarda.com/a/un-court-beefs-up-convictions-of-milosevic-aides-in-final-yugoslav-case/32437361.html>
30. Wikipedia contributors. (n.d.). شکنجه و آزار آن https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%DA%A9%D9%86%D8%AC%D9%87_%D9%88_%D8%A2%D8%
31. IRNA. (n.d.). جزئیات تکان‌دهنده از موارد نقض حقوق بشر در زندان‌ها <https://www.irna.ir/news/84999611>

29. VOA Dari. (2023, March). ICRC says Guantanamo detainees display symptoms of accelerated ageing. <https://www.darivoa.com/a/icrc-says-guantanamo-detainees-display-symptoms-of-accelerated-ageing/7061814.html>
30. BBC Persian. (2013, February). نگاهی به شرایط بازداشتگاه گوانتانامو. https://www.bbc.com/persian/news/story/2013/02/printable/060209_w-kf-guantanamo
31. Mashregh News. (n.d.). روایت رسانه‌ای از وضعیت حقوق بشر. <https://www.mashreghnews.ir/news/135070>
32. IRNA. (n.d.). گزارش خبری از نقض حقوق بشر. <https://www.irna.ir/x3r5dH>
33. OHCHR. (n.d.). Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/convention-against-torture-and-other-cruel-inhuman-or-degrading>
34. OHCHR. (n.d.). Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (Homepage). https://www.ohchr.org/en/onchr_homepage
35. Wikifeqh. (n.d.). ممنوعیت شکنجه (حقوق جزا). <https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%85%D9%86%D9%88%D8%B9>
36. Pourbafrani, Hassan. (2021). International Criminal Law. Tehran: Jangal Publications. [In Persian]
37. Amid, Hassan. (1983). Amid Persian Dictionary. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
38. Kriang Sak, Keit Siaizri. (2004). International Criminal Law. (Trans. Behnam Yousifian & Mohammad Esmaeili). Tehran: SAMT Publications. [In Persian]
39. Hosseini Akbarnajad, Haleh. (2024). Determining the Gross Violation of Human Rights and the Commission of International Crimes against the People of Gaza before and after October 7 in the Practice of Human Rights Institutions. Political Studies of the Islamic World, 1(49), 139–167. <https://doi.org/10.30479/psiw.2024.20080.3315> [In Persian]
40. Seyrafi, Sasan. (2008). Persecution as a Crime against Humanity. Master's Thesis, International Law, University of Tehran, Faculty of Law and Political Science. <https://elmnet.ir/vslgg?id=10466284-41111> [In Persian]
41. Werle, Gerhard. (2008). Crimes against Humanity in Contemporary International Law. (Trans. Amirsaeed Vakil). International Legal Journal, (39), 59–100. <https://doi.org/10.22066/cilamag.2010.17384> [In Persian]